

خطاهای اسنادی و نقش آن در رفتار انسان از منظر قرآن کریم

هادی عبدلی*

محمد رضا احمدی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی خطاهای اسنادی از منظر قرآن کریم است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و بدین منظور به منابع معتبر روان‌شناختی در زمینه خطاهای اسنادی و آیات قرآن کریم مراجعه و آیات در این زمینه گردآوری شد. سپس به تفاسیر معتبر شیعه و سنی مراجعه و آیات مورد تحلیل قرار گرفت. طبق یافته‌های پژوهش، خطای اسنادی در قرآن به سوگیری‌هایی در اسناد اشاره دارد که با باورهای درست دینی تناسب ندارند یا برای جامعه و روابط انسانی مضرند. اسناد درست این است که همه امور به امر خداوند اتفاق می‌افتد، نعمت‌ها به لطف خداوند بوده و سختی‌ها، به خاطر اعمال خود انسان است. در مورد افعال دیگران توصیه شده است که در جامعه دینی، رفتار برادران دینی که ظاهری ناشایست دارند، حمل بر صحت و معنای مثبت شوند. یافته‌ها نشان می‌دهند که قرآن هشت خطای اسنادی را معرفی می‌کند. شش خطای اسنادی از نظر مفهومی مشابه خطای اسنادی خدمت به خود و یک خطا مشابه خطای بنیادی اسناد است. وجه مشترک غالب خطاهای اسنادی که قرآن معرفی می‌کند، فرار از مسئولیت است که با دلیل انگیزشی خطاهای اسنادی که در روان‌شناسی مطرح می‌شود، تناسب دارد. از جمله آثار خطاهای اسنادی می‌توان به غرور و تکبر، یأس و ناامیدی، تبلی و کمک‌نکردن به دیگران اشاره کرد.

واژگان کلیدی: اسناد، خطاهای اسنادی، قرآن، روان‌شناسی، انسان.

* کارشناسی ارشد روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول)

h.abdoli313@gmail.com

** استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

M.r.ahmadi@313gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۴

مقدمه

اسناد^۱ فرایندی عقلانی است که طی آن افراد تلاش می کنند علل رفتار دیگران را درک کنند؛ اینکه چه زمانی می توان فرد را مقصّر دانست و سرزنش کرد و چه زمانی از ارتکاب تخلف مبرا دانست. اسناد در زندگی روزمره اهمیت بسیار زیادی دارد. بسیاری از افراد و مسئولان مانند معلمان، وکلا، قضات، پلیس و حتی والدین درباره مسئولیت دیگران قضاوت و تصمیم گیری می کنند و این تصمیم گیری ها، گاهی با خطا همراه است. از نظر پیاژه^۲، اسناد فرایندی عقلانی است که یاد گرفته می شود، ولی پژوهش های انجام شده در زمینه اسناد، نشان می دهند که قضاوت های روزمره ما درباره مسئول دانستن افراد، معمولاً متأثر از ملاحظات آشکار غیرعقلانی است. برای مثال ممکن است رفتار فرد به اشتباه به علل درونی یا بیرونی اسناد داده شود (آذربایجانی و همکاران ۱۳۸۵، ۶۸). خطاهای اسنادی تأثیر زیادی بر سبک تفکر (حسینی نسب و طباطبایی ۱۳۷۶)، سبک رفتار (ابوالقاسمی و همکاران ۱۳۸۴، ۵۵) و به تبع آن ها، بر سبک زندگی افراد دارند. مطالعات سلیگمن^۳ (۱۹۹۱) نشان می دهد که سبک خوش بینانه تفکر و باور به اینکه شکست ناشی از بخت بد است، به تلاش، پیشرفت و سلامتی فرد کمک می کند (به نقل از حسینی نسب و طباطبایی ۱۳۷۶). این بحث، کاربردهای بسیاری در گستره های گوناگون دانش همچون پیشرفت آموزشی، کارکرد شغلی، بازدهی کارگران، رضایت شغلی، موفقیت های ورزشی، ناهنجاری ها، بزه کاری ها و مانند آن ها داشته است و پژوهش های زیادی (Choi and Nisbett 1998؛ Krull 2001؛ Allison and Messick 1985؛ Macki and Allison 1987؛ Corneille, Yzerbyt, Rogier and Buidin 2001؛ Berry 2015؛ بویری، خلفی و طهماسبی ۱۳۹۳؛ فرودستان، عریضی و نوری ۱۳۸۷؛ حاجلو، رسولزاده طباطبایی، آزادفلاح و فتحی آشتیانی ۱۳۸۷) در مورد آن شده است.

(۱) روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. این روش برای توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم، به صورت نظام دار به کار می رود. در این روش، عناصر و مباحث مورد نظر، گردآوری و طبقه بندی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند (شریعتمداری ۱۳۸۸، ۷۷). بدین منظور محقق به منابع معتبر روان شناختی در زمینه خطاهای اسنادی و آیات قرآن مراجعه و آیات در این زمینه را گردآوری کرده است. سپس به تفاسیر معتبر شیعه و سنی

1. Attribution
2. Jean Piaget

۳. Seligman؛ روان شناس آمریکایی و نویسنده کتاب های «خودبازی» و «درماندگی آموخته شده» که به عنوان پدر روان شناسی مثبت گرا شناخته می شود.

مراجعه و از یافته‌های گردآوری‌شده، فیش‌برداری کرده و با روش توصیفی-تحلیلی، آن‌ها را تجزیه و تحلیل و باهم مقایسه کرده است.

در زمینه مطالعات مذهبی، خطای بنیادی اسناد، در آموزه‌های مذهب پروتستان و کاتولیک بررسی شده است (Li, Johnson, Cohen, Williams, Knowles, Chen 2012). همچنین عبدلی و احمدی (۱۳۹۵)، سبک‌های اسنادی را در قرآن بررسی کرده‌اند. تاکنون پژوهشی مستقل به بررسی خطاهای اسنادی در منابع دینی نپرداخته است. پژوهش حاضر درصدد بررسی خطاهای اسنادی و تأثیرات این خطاها بر رفتار، از دیدگاه قرآن کریم است. پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از: قرآن کریم چه خطاهای اسنادی را مطرح می‌کند؟ از نظر قرآن کریم خطاهای اسنادی چه تأثیری بر رفتار انسان دارند؟

۲) انواع خطاهای اسنادی

چهار خطای عمده اسنادی عبارت‌اند از:

الف) خطای بنیادی اسناد

در خطای بنیادی اسناد^۱، افراد تمایل دارند که رفتارهای دیگران را به عوامل درونی و ویژگی‌های شخصی نسبت دهند و از عوامل محیطی و بیرونی چشم‌پوشی کنند. مثلاً اگر دوست شما به اشتباه فنجان چای‌اش را بر زمین بریزد، آمادگی دارید که او را فردی بی‌عرضه و بی‌دست‌وپا بدانید نه اینکه فکر کنید علت این اتفاق، داغ‌بودن چای اوست (ابوالقاسمی و همکاران ۱۳۸۴، ۵۵). خطای بنیادی اسناد، تلویحات مهمی در جامعه دارد. افراد در مورد گروه‌های محروم و بزه‌کار اگرچه بدانند که این افراد فرصت‌های پرورشی ناکافی و زندگی خانوادگی نامناسبی داشته‌اند، ولی بازهم آن‌ها را افرادی بد و تنبل دانسته و خود آن‌ها را مسئول وضع نامطلوبشان می‌دانند.

ب) سوگیری خدمت به خود

طبق سوگیری خدمت به خود^۲، افراد تمایل دارند که شکست‌های خود را به عوامل محیطی و موقعیتی و موفقیت‌های خود را به عوامل درونی و صفات و ویژگی‌های پایدار خود نسبت دهند (ارونسون ۱۳۸۲، ۱۹۶)؛ برای مثال می‌توان به اسناد سیاستمداران بعد از موفقیت و شکست در انتخابات و توضیحات ورزشکاران پس از پیروزی یا شکست در بازی اشاره کرد. افراد موفق در معرفی عامل موفقیت، تمایل دارند تا به کار سخت و تلاش خود بها دهند،

1. The fundamental attribution error.

2. Self serving bias.

درحالی که افراد ناموفق همواره بر شرایط بیرونی مثل حریف و قضاوت داور تأکید می کنند (Baron and Byrne 2004).

به دلیل سوگیری خدمت به خود، بسیاری از افراد اعمال منفی خود را موجه و قابل بخشش، ولی اعمال منفی دیگران را غیرمنطقی و نابخشودنی می دانند (ابوالقاسمی و همکاران ۱۳۸۴، ۵۵-۵۸) که می تواند برای روابط بین فردی خطرهای جدی ایجاد کند (آذربایجانی و همکاران ۱۳۸۵، ۷۶).

تبیین های شناختی و انگیزشی به عنوان علل بروز خطاهای اسنادی مطرح اند (Ross and Sicoly 1979). در مورد خطای اسناد خدمت به خود، الگوی شناختی بیان می کند که، این سوگیری، اساساً ناشی از گرایش های معینی در نحوه پردازش اطلاعات است (Ross 1977). ما نتایج مثبت را به علل درونی و نتایج منفی را به علل بیرونی اسناد می دهیم، زیرا انتظار داریم موفق شویم و این گرایش در ما وجود دارد که نتایج مورد انتظار را بیش تر به علل درونی اسناد دهیم تا علل بیرونی. در مقابل، تبیین انگیزشی معتقد است که این سوگیری ناشی از نیاز ما به حفظ و افزایش حرمت خود است (ارونسون ۱۳۸۲، ۱۹۸). هرچند ممکن است هر دو عامل انگیزشی و شناختی در این خطای نقش داشته باشند، به نظر می رسد که شواهد تحقیقی از تفسیر انگیزشی، بیشتر حمایت می کنند (Brown and Rogers 1991).

ج) خطای بازیگر-مشاهده گر

در خطای بازیگر-مشاهده گر، افراد تمایل دارند که اشتباهات خود را به عوامل موقعیتی نسبت دهند، درحالی که رفتار دیگران را به ویژگی های پایدار درونی نسبت می دهند. مثلاً اگر دوست شما سُرخورده و زمین بخورد، این اتفاق را به دست و پا چلفتی بودن او نسبت می دهید، ولی اگر این پیشامد برای خودتان اتفاق بیفتد، ممکن است آن را به معیوب بودن کفش تان نسبت دهید (ابوالقاسمی و همکاران ۱۳۸۴، ۵۶).

از نظر جونز^۲ و نیسبت^۳، زاویه دید بازیگر و مشاهده گر یکی از علل تفاوت در اسناد است، دید بازیگر درگیر محیط است ولی مشاهده گر روی بازیگر تمرکز دارد. اطلاعات مورد آگاهی بازیگر با اطلاعات مورد آگاهی مشاهده گر متفاوت است (Miller and Ross 1975) عامل دیگر به فرار از مسئولیت بازیگر و حمایت از خودانگاره اش مربوط می شود که مورد توجه مشاهده گر نیست. فرضیه دیگر این است که بازیگر برای حفظ توان کنترل بر رفتارش ناچار است رفتارش را به علل محیطی گذرا نسبت دهد نه امور ثابت درونی

1. The actor- observer error

۲. ادوارد الورت جونز، روان شناس اجتماعی آمریکایی، استاد دانشگاه پرینستون
 ۳. ریچارد یوجین نیسبت، استاد روان شناسی اجتماعی و مدیر برنامه فرهنگ و شناخت دانشگاه میشیگان

(راس و همکاران ۱۳۸۵، ۸۴-۸۵). رایت^۱، زوترا^۲ و بریور^۳ معتقدند که این سوگیری در جهت عزت نفس حمایت‌گر و افزایشنده، وقتی که رفتار یا بازده مهم است، یعنی یا قویاً مثبت است یا قویاً منفی، قوی‌تر است (ارنسون ۱۳۸۶، ۱۸۷-۱۹۲).

د) تفکر خودمدارانه

تفکر خودمدارانه^۴، گرایشی است که طی آن افراد بیشتر از آنچه واقعیت دارد، خود را مرکز رویدادها می‌بینند، یعنی تصوّر می‌کنند که در مهار و اعمال نفوذ بر وقوع رویدادها و رفتار دیگران، بازیگر اصلی بوده‌اند (Greenwald 1980).

۳) اسناد صحیح و خطای اسنادی در قرآن

دو مدل اسنادی در متون دینی توصیه شده که ممکن است طبق تعاریف روان‌شناختی، خطای اسنادی تلقی شود.

الف) اسناد موفقیت‌ها به خداوند

در موارد متعدد مشاهده می‌شود که افراد پس از کسب موفقیت‌های بزرگ علمی، ورزشی، هنری، سیاسی و معنوی، توفیق خود را مرهون لطف خداوند می‌دانند یا موفقیت‌شان را به توکل اسناد می‌دهند. بدون توجه به بافت و باورهای فرهنگی نمی‌توان این‌ها را خطای اسنادی دانست. اگر چنین اسنادهایی بر پایه مبانی عقلی درست، استوار باشند، صحیح خواهد بود. آیات قرآن این اسناد را تأیید می‌کنند. همچنان که خداوند در آیه ۷۹ سوره نساء هر خیری را به خود و هر شری را به انسان اسناد می‌دهد^۵ و در آیه ۵۰ سوره سبا گمراهی را محصول عمل بنده و هدایت را لطف پروردگار می‌داند.^۶ البته این منافاتی با اراده و کوشش خود انسان ندارد.

تفسیر دیگر اسناد امور به خداوند، توکل است، یعنی فرد مؤمن خود را به یک اراده قوی که فوق همه اراده‌ها است متصل می‌کند و با این کار نیرویی می‌گیرد که بر همه مشکلات غلبه می‌کند (آذربایجانی و همکاران ۱۳۸۵، ۷۸).

1. Wright
2. Zutra
3. Braver
4. Egocentric thought

۵. مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ
 ۶. قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنْ اهْتَدَيْتُ فَمَا يُوجِي إِلَيَّ رَبِّي

ب) حمل افعال دیگران بر صحت

مطلب فوق در مورد اسناد افعال خود است ولی در مورد افعال دیگران، آیات و روایات توصیه می‌کنند که رفتارهای برادران دینی که ظاهر نامطلوب دارند را به بهترین شکل، اسناد داده و آن‌ها را گنه‌کار ندانید. یعنی ایمان مانع اختلاف مؤمنان می‌شود، برای مثال خداوند در آیه ۹۴ سوره نساء دستور می‌دهد که ادعای ایمان کسانی که اظهار اسلام می‌کنند را بپذیرید و به آن‌ها نگویند مسلمان نیستید.^۱ شأن نزول این آیه در مورد مردی یهودی است که وقتی خبر رسیدن سپاه اسلام را شنید، زن و فرزندان خود را به کوهی برد و خود به استقبال سپاه اسلام شتافت و اظهار اسلام کرد، ولی فرمانده سپاه، اسلام او را نپذیرفته و تصور کرد که اظهار اسلام او، به خاطر ترس از مرگ است (اسناد بیرونی) و در باطن اسلام را نپذیرفته است (مکارم شیرازی ۱۳۸۳، ۴۳۹). آیه نازل شده و مانع چنین اسنادی شود.

همچنین خداوند از سوءظن نسبت به برادران دینی نهی می‌کند، برای مثال آیه ۱۲ سوره حجرات می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید، همانا بعضی از گمان‌ها گناه است و از عیوب مردم تجسس نکنید و پشت سر یکدیگر غیبت نکنید.^۲

یعنی سخن دوستان را حمل بر سودجویی، تملق و چاپلوسی (اسناد بیرونی) نکنید، بلکه ایمان اقتضا می‌کند که سخن آن‌ها را حمل بر بهترین نیت کنید. احادیث نیز این اسناد را تأیید می‌کنند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «به گفتار برادرت تا وقتی که می‌توانی تفسیر نیکو داشته باشی، گمان بد مبر.^۳ یا در جایی دیگر می‌فرماید: «برای رفتار برادرت عذری جستجو کن و اگر عذری نمی‌یابی بازهم از (پیش خود) عذری درست کن.^۴»

با به‌کارگیری این توصیه، فرد احتمالات مثبت زیادی در تفسیر رفتار دیگران در اختیار خواهد داشت و ممارست بر این شیوه اسناد، باعث ملکه‌شدن آن برای فرد می‌شود. البته حسن ظن توصیه شده مخصوص جامعه‌ای است که فراوانی انحراف و خیانت در آن زیاد نیست ولی چنانچه اعضای جامعه‌ای اهل ظلم و خیانت باشند، طبق حدیث حضرت علی علیه السلام حسن ظن در این جامعه شایسته نیست^۵ (همان، ۷۰-۷۴).

۱. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَيَبُّوا وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَنْتَ مُؤْمِنًا

۲. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا

۳. ضَعُ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَىٰ أَحْسَنِهِ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ مَا يَغْلِيكَ مِنْهُ وَ لَا تَنْظُرَنَّ بِكَلْبَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أُخْيِكَ سُوءًا وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْحَيْرِ مَحْمَلًا (کلینی ۱۳۶۵، ۲، ۳۶۲).

۴. اَطْلُبْ لِأَخِيكَ عُذْرًا فَإِنْ لَمْ تَجِدْ لَهُ عُذْرًا فَالْتِمِسْ لَهُ عُذْرًا (مجلسی ۱۴۰۳، ۱، ۷۵، ۱۹۷).

۵. إِذَا اسْتَوَىٰ الصَّالِحُ عَلَىٰ الزُّمَانِ وَأَهْلِيهِ، ثُمَّ أَسَاءَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ لَمْ تَطْهَرْ مِنْهُ حُوبَةً فَقَدْ ظَلَمَ! وَإِذَا اسْتَوَىٰ الفَسَادُ عَلَىٰ الزُّمَانِ وَأَهْلِيهِ، فَأَحْسَنَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ فَقَدْ عَزَرَ (تهج البلاغه، حکمت ۱۱۴).

۴) اقسام خطاهای اسنادی از دیدگاه قرآن

هشت خطای اسنادی که با بررسی آیات قرآن به دست می آید عبارت‌اند از:

الف) اسناد گمراهی خود به خداوند

مصدق بارز این خطای اسنادی، اسناد شیطان است. همچنان‌که در آیه ۱۶ سوره اعراف گمراهی خود را به خداوند نسبت می‌دهد^۱ یا در آیه ۳۹ سوره حجر، برای تبرئه خویش، به خداوند نسبت جبر داده و می‌گوید: «پروردگارا به سبب آن‌که مرا گمراه ساختی، من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت^۲» (مکارم شیرازی و همکاران ۱۳۷۱، ۶، ۱۰۸). شیطان گمراهی خود را به خدا و گمراهی بندگان را به خود نسبت می‌دهد که البته بخش دوم اسنادش، صحیح است (فخر رازی ۱۴۱۹، ۱۴، ۲۱۱). اسناد گمراهی و بدبختی، به عواملی غیر از خود، اسنادی بیرونی و راهی برای فرار از مسئولیت است. همچنین خداوند اسناد مشرکان در آیه ۵۷ سوره زمر، که گمراهی و شقاوت خود را به عدم هدایت خداوند نسبت می‌دادند، رد می‌کند^۳ یا در آیه ۱۴۸ سوره انعام، مشرکان، علت گمراهی خود و پدرانیشان را عدم عنایت و اراده خداوند عنوان می‌کنند.^۴ آن‌ها مانند بسیاری از گناهکاران با تمسک به جبر، به دنبال انکار مسئولیت گناهان خود هستند و می‌گویند هر کاری که ما می‌کنیم، خواست خدا و مطابق اراده اوست؛ اگر خدا نمی‌خواست چنین اعمالی از ما سر نمی‌زد. همچنین آیه ۳۵ سوره نحل^۵ و آیه ۲۰ سوره زخرف^۶ به این خطای اسنادی اشاره دارند (مکارم شیرازی و همکاران ۱۳۷۱، ۶، ۲۲).

این آیات دلالت بر خطای اسنادی دارند که بین مردم رایج است و آن اسناد مشکلات و سختی‌ها و گمراهی به فردی غیر از خود است.

ب) اسناد بدبختی و فقر دیگران به اراده خداوند و تلاش نکردن خودشان

فرد مسلمان نمی‌تواند در برابر فقر و بدبختی مسلمان دیگر بی تفاوت باشد، بلکه باید به او کمک کند. افراد سست ایمان وقتی در چنین موقعیتی قرار می‌گیرند، برای سلب مسئولیت از خود، دچار نوعی از خطای اسنادی می‌شوند و فقر دیگران را به تلاش نکردن و مصلحت خداوند نسبت می‌دهند، همچنان‌که خداوند می‌فرماید:

۱. قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتِي لَأَفْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ
 ۲. قَالَ رَبِّ بِمَا أُغْوِيْتِي لَكُرِيْتُنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ
 ۳. أَوْ تَقُولُ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ
 ۴. سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَ لَا آبَاؤُنَا وَ لَا آبَاؤُنَا وَ لَا حَرَفْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَالِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ خَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ (انعام: ۱۴۸).
 ۵. وَ قَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَ لَا آبَاؤُنَا وَ لَا حَرَفْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ
 ۶. وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ

و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا به شما روزی داده انفاق کنید، کسانی که کافر شده‌اند به آنان که ایمان آورده‌اند می‌گویند آیا کسی را بخورانیم که اگر خدا می‌خواست [خودش] وی را می‌خورانید، شما جز در گمراهی آشکاری نیستید.^۱

اینکه فقر فقراء را به خواست خداوند نسبت می‌دهند، توجیهی از سوی منافقان برای فرار از انفاق است (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۷، ۱۳۸). این منطقی است که افراد خودخواه و بخیل در هر عصری، مطرح می‌کنند؛ اینکه اگر کسی فقیر است، خواست خداوند چنین بوده و این نتیجه اعمال خود اوست. اگر ما غنی هستیم، لابد عملی انجام داده‌ایم که مشمول لطف خداوند شده‌ایم، بنابراین نه فقر آن‌ها و نه غنای ما هیچ کدام بی حکمت نیست (مکارم شیرازی و همکاران ۱۳۷۱، ۱۸، ۴۰۲). در دو خطای اسنادی بالا، اگرچه اسناد به خداوند صورت گرفته، ولی با خطا همراه است و پیامدهای منفی به دنبال دارد؛ زیرا باعث می‌شود که فرد به جای پذیرش مسئولیت در مورد کارهای خطا و تلاش برای جبران آن‌ها، فرافکنی کرده و مشکلات خود را به خداوند نسبت دهد. چنین فردی توبه نمی‌کند بلکه از خدا دورتر می‌شود. بنابراین برای توبه، ابتدا باید سبک اسنادی چنین فردی، اصلاح شود.

ج) اسناد سختی‌ها و مصیبت‌ها به خداوند و موفقیت‌ها به خود

طبق آیات قرآن، انسان مؤمن باید همه امور را به خداوند اسناد دهد؛ در عین حال سختی‌ها و مصیبت‌ها را به خود و نعمت‌ها را به خداوند اسناد دهد. خداوند در آیه ۷۹ سوره نساء^۲ هر خیری به خود و هر شری را به بندگان نسبت می‌دهد. همچنین در آیه ۵۰ سوره سبأ گمراهی را به عمل بندگان و هدایت را به لطف پروردگار اسناد می‌دهد. یکی از خطاهای اسنادی که زیاد اتفاق می‌افتد این است که انسان مصیبت‌ها را به خدا اسناد دهد، در حالی که آسایش و نعمت‌ها را به لیاقت خود نسبت می‌دهد، همچنان که خداوند در آیه ۳۳ سوره روم می‌فرماید:

و چون مردم را زیانی رسد پروردگار خود را در حالی که به درگاه او توبه می‌کنند، می‌خوانند و آنگاه که از جانب خود رحمتی به آنان چشایند، ناگهان دسته‌ای از ایشان به پروردگارشان شرک می‌آورند.^۳

فخر رازی علت رو آوردن به شرک در نعمت‌ها را اسناد این نعمت‌ها به شانس، موقعیت ستارگان، بت‌ها یا یک فرد خاص و غفلت از خداوند می‌داند (فخر رازی ۱۴۱۹، ۲۵، ۱۰۰). وقتی که فرد موفقیت‌ها و نعمت‌ها را به خدا اسناد نمی‌دهد، چه به خود اسناد دهد یا به

۱. وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ نَطْعَمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَأَطْعَمَهُ إِنْ أُنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. (یس: ۴۷).

۲. مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ

۳. وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُبِينِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أُذِقُوا مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَرْجِعُونَ

غیر خود، از نظر قرآن دچار خطای اسنادی شده است.

همچنین در آیه ۳۶ سوره روم می‌فرماید: «و هرگاه به مردم رحمتی بچشانیم، به آن شاد شوند و اگر به خاطر دستاورد گذشته (و اعمال بد) آن‌ها، ناگواری (و مصیبتی) به آنان رسد، ناگهان مایوس می‌شوند»^۱. جمله «فرحوا بها» در آیه تنها به معنی خوشحال شدن برای نعمت نیست، بلکه منظور شادی توأم با غرور و نوعی مستی و بی‌خبری است؛ همان حالتی که برای افراد کم‌مایه به هنگامی که به نوایی می‌رسند، عارض می‌شود که ناشی از اسناد نعمت‌ها به خود است (مکارم شیرازی و همکاران ۱۳۷۱، ۱۶، ۴۳۶). علامه طباطبایی، علت مستی و غرور در نعمت را عدم اسناد نعمت‌ها به خداوند می‌داند یعنی چون نعمتی به آن‌ها می‌رسد، آن را محصول لیاقت و عمل خویش می‌بینند و خوشحال می‌شوند، ولی وقتی مصیبتی به آن‌ها رسد، چون آن‌را از ناحیه خدا نمی‌دانند، ناامید می‌شوند (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۶، ۲۷۵). ولی مؤمنان راستین کسانی هستند که نه به هنگام نعمت گرفتار غرور و غفلت می‌شوند و نه به هنگام مصیبت، گرفتار یأس و نومیدی، نعمت را از خدا می‌دانند و به درگاه او شکر می‌برند، و مصیبت را آزمون و امتحان، و یا نتیجه اعمال خویش دانسته و صبر می‌کنند. افراد باایمان در میان «شکر» و «صبر» قرار دارند، درحالی‌که افراد بی‌ایمان در میان «غرور» و «یأس» دست‌وپا می‌زنند (مکارم شیرازی و همکاران ۱۳۷۱، ۱۶، ۴۳۶).

همچنین آیه ۴۹ سوره زمر، ۷۸ سوره قصص، ۵۱ سوره فصلت، ۱۲ سوره یونس و ۸ سوره زمر نیز به همین خطای اسنادی اشاره دارد.

د) اسناد موفقیت به خود و شکست و بدبختی به دیگران

یکی از خطاهای اسنادی این است که انسان مشکلات خود را به گردن دیگران بیندازد و در مقابل، موفقیت‌ها را به خود نسبت بدهد. برای نمونه زمانی که قوم موسی نیکی نصیبشان می‌شد آن را حق خود می‌دانستند ولی وقتی دچار مشکل می‌شدند، موسی و همراهانش را بدشگون می‌دانستند.^۲ قوم موسی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نعمت را به استحقاق و لیاقت خود دانسته و به خدا نسبت نمی‌دادند، در نتیجه نعمت‌ها را شکر نمی‌کردند، ولی بدبختی را به شومی موسی و اهل او نسبت می‌دادند (فخر رازی ۱۴۲۰، ۱۴، ۳۴۴). این خطای اسنادی در آیه ۴۷ سوره نمل^۳ نیز تکرار شده است.

۱. و إِذَا أَدْقْنَا النَّاسَ رِجْحَةً فَرَحُوا بِهَا وَ إِن تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ مَّا قَدَّمَتْ أَيْدِيَهُمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ

۲. فَإِذَا جَاءَهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَ إِن تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَ مَنْ مَعَهُ أَلَّا إِنَّمَا طَارَهُمُ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَكِنُّ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (اعراف/۱۳۱).

۳. قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَ بَعَثْنَا مَعَكَ

س) اسناد موفقیت‌ها و نعمت‌ها به خداوند و مصیبت به پیامبر ﷺ

طبق این خطای اسنادی، منافقان آسایش و راحتی و نعمت را به خداوند اسناد داده و سختی را به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهند. همچنان‌که منافقان در آیه ۷۹ سوره نساء در مورد فتح و پیروزی و کسب غنائم و کشته‌شدن و یا جراحت در جهاد چنین اسنادی داشتند (طباطبایی ۱۳۷۴، ۵، ۸). منافقان می‌گویند آنچه از حسنات و غنائم به ما رسیده از ناحیه خدا و به‌خاطر شایستگی ما بوده ولی سختی‌ها و شکست جنگ از ناحیه پیامبر ﷺ و به‌خاطر عدم کفایت او بوده است (مکارم شیرازی و همکاران ۱۳۷۱، ۴، ۲۰). ولی خداوند آن‌ها را مورد عتاب قرار داده و این مدل اسنادی را رد می‌کند.^۱

م) اسناد شکست و گمراهی به فراهم‌نبودن شرایط

عامل اصلی بدبختی‌های انسان، عملکرد خود اوست، ولی افراد تمایل دارند شقاوت و بدبختی خود را به عوامل بیرونی و خارج از اختیار خود مثل نیامدن وسیله هدایت، نسبت دهند (مکارم شیرازی و همکاران ۱۳۷۱، ۶، ۴۳). خداوند در آیه ۱۵۶ و ۱۵۷ سوره انعام می‌فرماید:

[قرآن را نازل کردیم] تا نگویند که تنها بر دو طایفه‌ای که پیش از ما بودند کتاب نازل شده و ما از آموختن آن‌ها غافل بوده‌ایم، یا نگویند که اگر بر ما نیز کتاب نازل می‌شد بهتر از آنان به راه هدایت می‌رفتیم. بر شما نیز از جانب پروردگارتان دلیل روشن و هدایت و رحمت فرارسید.^۲

این آیه اشاره به خطای اسنادی دارد که بین انسان‌ها شایع است، اینکه افراد برای توجیه کم‌کاری خود، محیط و کمبودها را علت ناکامی خود می‌دانند درحالی‌که حتی در شرایط کمبود و محرومیت هم برخی با تلاش خود به موفقیت‌های بزرگ دست پیدا می‌کنند.

ن) اسناد کار نیک دیگران به نیت شرارت آمیز

در این خطای اسنادی، که نوعی اسناد درونی است، افراد کارهای نیک دیگران را به نیت نامطلوب درونی آن‌ها، نسبت می‌دهند. همچنان‌که بزرگان کافر قوم نوح علیهم‌السلام دعوت و تبلیغ او را به برتری جویی نسبت دادند^۳ یا فرعون انگیزه موسی علیه‌السلام از دعوت به خداوند را به اغراض شخصی نظیر تصرف سرزمین^۴، تغییر دین و فساد^۵ نسبت داد. این مدل اسنادی، روشی است که حاکمان طاغوت به‌کار می‌گیرند تا نظر مردم را برای مخالفت و از بین بردن

۱. وَإِنْ تُصِيبُهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَيْثُ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا

۲. أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أُنزِلَ الْكِتَابُ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ. أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَى مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ

۳. فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ (مؤمنون/۲۴).

۴. يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسَخِرِهِ (شعرا/۳۵).

۵. إِنْ أَحَافَ أَنْ يُبَدَّلَ دِينُكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ (غافر/۲۶).

فرد مصلح (پیامبر ﷺ) جلب کنند (فضل الله ۱۴۱۹، ۲۰، ۳۲). آن‌ها نیاتی را برای کار پیامبران برمی‌شمردند که به وسیله این نیات، مردم را به آن‌ها بدبین کنند. این شیوه در عصر حاضر و برای دولت‌های استکباری به‌عنوان شیوه‌ای برای خطرناک نشان دادن مقاومت دولت‌های مستقل برای همسایگان، مورد استفاده قرار می‌گیرد (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۵، ۳۸۱).

ی) اسناد افعال بد خود بر شوربختی

یکی از خطاهای اسنادی شایع بین مردم، نسبت دادن شکست‌ها به بدشانسی و بدبختی ذاتی است، همچنان‌که کافران در آیه ۱۰۶ سوره مؤمنون، علت گمراهی و ضلالت خود را به شوربختی خود نسبت می‌دهند.^۱ «شقاوة» و «شقاوة» در این آیه، ضد سعادت است و به معنی فراهم‌بودن اسباب گرفتاری و مجازات و بلا است، و به تعبیر دیگر، شر و آفتی است که دامان انسان را می‌گیرد. ولی شقاوت و سعادت چیزی جز نتیجه اعمال، گفتار و نیات انسان نیست. اعتقاد به اینکه سعادت و شقاوت، امری ذاتی است که با تولد، همراه انسان است، پنداری بیش نیست که برخلاف دعوت همه انبیاء و تلاش‌های همه راهنمایان و معلمان بشر است. به‌کارگیری این سبک اسناد، برای فرار از مسئولیت‌پذیری، توجیه اعمال خلاف و تبهکاری‌ها یا برای تفسیر موارد ناآگاهی‌ها است (مکارم شیرازی و همکاران ۱۳۷۱، ۱۴، ۳۳۸). بدبختی و شوربختی، عاملی درونی است که تحت اختیار انسان نبوده و به‌خاطر همین افراد برای سلب مسئولیت از خود، چنین اسنادی را به‌کار می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

خطای اسناد در روان‌شناسی به معنی سوگیری در برآورد علت رفتار خود یا دیگران است که تحت تأثیر پردازش‌های خاص ذهنی یا انگیزه‌های شخصی است، ولی در متون دینی به خطاهایی اشاره می‌شود که با باورهای درست دینی تناسب ندارند یا برای جامعه و روابط انسانی مضرند.

دو سبک اسنادی خاص که مورد توصیه منابع دینی است، ممکن است در نگاه اول خطای اسنادی به‌نظر برسد، این دو سبک عبارت‌اند از:

اسناد موفقیت‌ها در زندگی به خداوند؛ اگرچه عامل اصلی و بی‌واسطه موفقیت هر فردی تلاش خود اوست، ولی اسناد موفقیت‌ها، به خداوند و لطف و رحمت او، با توجه به باورهای درست دینی، خطای اسنادی نیست و باعث نیروگرفتن، تلاش و غلبه بر سختی‌ها و موفقیت فرد است.

۱. قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ

حمل کردن اعمال برادران دینی بر صحت؛ در این جا خداوند سبک اسنادی خاصی را معرفی می کند که حتی در مواردی نیز ممکن است با واقع تطابق نداشته و فرد، نیت نیک و خیری در عملش نداشته باشد، ولی خطای اسنادی تلقی نمی شود. این سبک اسناد به سود جامعه و روابط برادران دینی بوده و باعث تألیف قلوب، رشد افراد و جلوگیری از بدبینی در جامعه می شود. هرچند در جامعه غیرایمانی که اعضای آن اهل خیانت هستند، حمل رفتار دیگران بر صحت، توصیه نمی شود و خطای اسناد خواهد بود.

طبق آیه ۷۸ سوره نساء، اسناد صحیح از دیدگاه قرآن، نسبت دادن همه امور به امر خداوند است، نعمت ها به لطف خداوند بوده و سختی ها و مصیبت ها، به خاطر اعمال خود انسان روی می دهند. البته اسناد سختی ها و مصیبت ها به خداوند بدون توجه به تأثیر عمل انسان در سرنوشت خود، یک خطای اسنادی بوده و پیامد آن ناامیدی و عدم تلاش خواهد بود، یعنی اگر فرد به این نکته توجه نداشته باشد که مشکلاتش به خاطر عملکرد بد اوست، تلاشی برای بهبود اوضاع نخواهد کرد. همچنین اگر به این نکته توجه نداشته باشد که خداوند خالق و رفع کننده سختی ها است، ممکن است مقهور مشکلات شده و برای رفع آن ها تلاشی نکند. ولی چنانچه انسان بداند که مشکلاتش، به خاطر عمل خود اوست، ولی خدایی مهربان گناهان او را می بخشد و با تلاش و توکل به او، مشکلاتش را برطرف می کند، انگیزه زیادی برای توبه و تلاش خواهد داشت.

طبق یافته های پژوهش، آیات قرآن هشت خطای اسنادی را معرفی می کنند که شش مورد اول در مورد افعال خود است و دو مورد آخر در مورد افعال دیگران که در نمودار زیر ترسیم شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شش خطای اسنادی که مربوط به افعال خود است، از نظر مفهومی مشابه خطای اسنادی خدمت به خود است و در آن‌ها فرد موفقیت‌ها را به عوامل درونی و شکست‌ها را به عوامل محیطی نسبت می‌دهد. همچنین خطای «اسناد فقر دیگران به اراده خداوند و عدم تلاش خودشان» مشابه خطای بنیادی اسناد است.

عامل سه خطای اسنادی ۱. اسناد موفقیت‌ها به خود و سختی‌ها به خداوند، ۲. اسناد موفقیت به خود و شکست به دیگران، ۳. اسناد موفقیت‌ها به خداوند و مصیبت به پیامبر ﷺ، می‌تواند حفظ عزت نفس باشد، همچنان‌که گرینبرگ و دیگران یکی از تبیین‌های خطاهای اسنادی را دلیل انگیزشی می‌دانند (آذربایجانی و همکاران ۱۳۸۵، ۷۶). با توجه به اینکه برآورد فرد از علل رفتار در خطاهای اسنادی، صحیح نیست و فرد شناخت غلطی از خود، رفتارها و توانمندی خود شکل می‌دهد، عزت نفس در این‌جا، به نحو کاذب بوده و باعث پسرفت و انحطاط فرد می‌شود.

وجه مشترک غالب خطاهای اسنادی که قرآن معرفی می‌کند، تلاش برای فرار از مسئولیت و

حفظ عزت نفس است که با دلیل انگیزشی خطاهای اسنادی که در روان شناسی مطرح می شود (آذربایجانی و همکاران ۱۳۸۵، ۷۶) تناسب دارد. همچنان که در مورد خطای اسنادی بازیگر-مشاهده گر، یکی از تبیین ها، فرار از مسئولیت بازیگر و حمایت از خودانگاره اش است که مورد توجه مشاهده گر نیست (راس و همکاران ۱۳۸۰، ۸۴-۸۵).

تأثیر خطاهای اسنادی بر رفتار

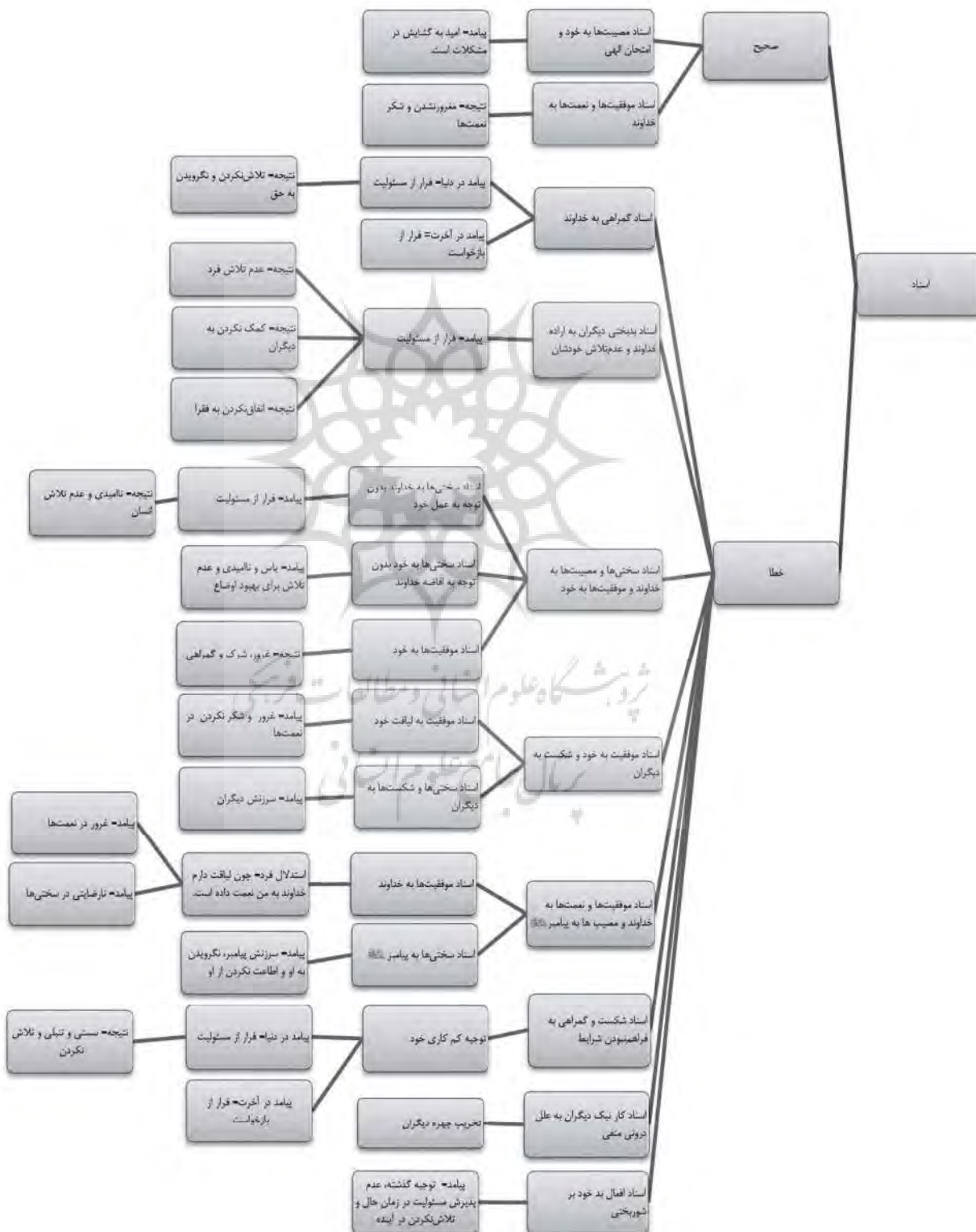
همچنان که متون روان شناختی بر تأثیر خطاهای اسنادی در رفتار تأکید دارند (ابوالقاسمی و همکاران ۱۳۸۴، ۵۵) از دیدگاه آیات قرآن نیز، خطاهای اسنادی پیامدهای خاصی روی رفتار خواهند داشت.

نتایج این پژوهش نشان می دهند خطاهای اسنادی باعث می شوند که فرد از پذیرش مسئولیت در مورد رفتار و سرنوشت خود و نیز دیگران طفره رفته و تلاشی در جهت تغییر و بهبود وضعیت خود و کمک به دیگران ترتیب ندهد. فرار از پذیرش مسئولیت، ممکن است به عنوان پیامد خطای اسنادی یا علت شکل گیری آن باشد. این مطلب در نمودار زیر نمایش داده شده است.



از جمله آثار خطاهای اسنادی که قرآن معرفی می کند می توان به غرور و تکبر در نعمت ها (مکارم شیرازی و همکاران ۱۳۷۱، ۱۶، ۴۳۶؛ طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۶، ۲۷۵)، یأس و ناامیدی (همان، ۲۷۵) و سستی و تلاش نکردن در سختی ها (مکارم شیرازی و همکاران

۱۳۷۱، ۶، ۳۱۷)، کمک نکردن به دیگران در صورت نیاز آن‌ها (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۷، ۱۳۸) و توبه نکردن فرد گناهکار (مکارم شیرازی ۱۳۷۱، ۶، ۱۲۷) اشاره کرد. این یافته‌ها در نمودار زیر به تفصیل به نمایش درآمده است:



منابع

به جز قرآن کریم.

۱. ابن ابی‌الحدید. ۱۴۱۴ق. نهج البلاغه. سید رضی. قم: هجرت.
۲. آذربایجانی، مسعود، و همکاران. ۱۳۸۵. روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم: حوزه و دانشگاه.
۳. ابوالقاسمی، عباس، و اوشا برهمند، و آذر کیامرثی. ۱۳۸۴. روان‌شناسی در اجتماع، چگونه با یکدیگر تعامل کنیم. تهران: رهرو دانش.
۴. ارونسون، الیوت. ۱۳۸۶. روان‌شناسی اجتماعی. حسین شکرکن. تهران: رشد.
۵. بدار، لوک، و ژوزه دزیل، و لوک لامارش. ۱۳۸۰. روان‌شناسی اجتماعی. حمزه گنجی. تهران: ساوالان.
۶. حسینی نسب، داوود، و موسی طباطبایی. ۱۳۷۶. سوگیری خدمت به خود و تفاوت‌های دختران در اسنادهای موفقیت و شکست. نخستین گنگره انجمن روان‌شناسی ایران.
۷. راس، مایکل، و دیگران. ۱۳۸۰. روان‌شناسی اجتماع: رویکردی جدید به اسناد و مدارک اجتماعی، اجتماعی‌شدن در دوران بزرگسالی، نقش مرد و زن در جوامع کنونی. جواد طهوریان، اسدالله توکلی و حمیدرضا نگهبان. مشهد: شرکت به‌نشر.
۸. شریعتمداری، مهدی. ۱۳۸۸. تحقیق و پژوهش در علوم رفتاری. تهران: کوهسار.
۹. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴. ترجمه تفسیر المیزان. محمدباقر موسوی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۶۳. ترجمه تفسیر مجمع البیان. حسین نوری همدانی و همکاران. تهران: فراهانی.
۱۱. عبدلی، هادی، و محمدرضا احمدی. ۱۳۹۵. انواع سبک‌های اسنادی و نقش آن در رفتار از نگاه قرآن کریم. کنگره بین‌المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی. تهران: مرکز توان‌مندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه.
۱۲. فخر رازی، محمد بن عمر. ۱۴۲۰ق. التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. فضل‌الله، محمد حسین. ۱۴۱۹ق. من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک.
۱۴. کلینی، محمد یعقوب. ۱۳۶۵. اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ق. بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از نویسندگان. ۱۳۷۱. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۲. برگزیده تفسیر نمونه. تحقیق احمد علی بابایی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
18. Allison, S.T., & Messick, D.M. 1985. The Group Attribution Error. *Experimental Social Psychology*, 21, 563-579.
19. Baron, R. A. & Byrne, D. 2004. *Social psychology (10th end.)*, Boston/New York: Pearson, Allyn& Bacon.

20. Berry, Z. 2015. Explanations and Implications of the Fundamental Attribution Error: A Review and Proposal, *Social Sciences*, 5(1): 44-57.
21. Brown, J. D., and Rogers, R. J. 1991. Self-serving attribution: The role of physiological arousal. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 17, 501-506.
22. Choi, I., & Nisbett, R. E. 1998. Situational salience and cultural differences in the correspondence bias and the actor-observer bias. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 24, 949-960.
23. Corneille, Yzerbyt, Rogier and Buidin. 2001. When Threat Elicits Judgments of Extremity and Homogeneity, *Personality and Social Psychology Bulletin* 27(4):437-446.
24. Greenwald, a. G. 1980. the totalitarian Ego: Fabrication and Revision of Personal History. *American Psychologist*, 35, 603-618.
25. Miller, D.T. and Ross, M. 1975. Self Serving Biases in Attribution of causality: Fact or Fiction?, *Psychological and Bulletin*, 82, 213-225.
26. Ross, Lee. 1977. The Intuitive Psychologist And His Shortcomings: Distortions in the Attribution Process, *Experimental Social Psychology*, 10: 174-220.
27. Ross, M. & Sicoly, F. 1979. Egocentric biases in a availability and attribution. *Journal of Personality and Social Psychology* 37, PP 322-337.
28. Li YJ, Johnson KA, Cohen AB, Williams MJ, Knowles ED, Chen Z. 2012. Fundamental(ist) attribution error: Protestants are dispositionally focused. *Personality and Social Psychology*, Vol102, N (2), pp 281-290.
29. Mackie, D. M., & Allison, S. T. 1987. Group attribution errors and the illusion of group attitude change. *Experimental Social Psychology*, 23, 460-480.